

از لیبی تا مالی - رضایتمندی قطر

<http://pervodika.ru/articles/22234.html>

۱۸ قوس ۱۳۹۱

گاز شاهزادگان امارات فقط هزینه ورزش فرانسه، املاک پاریس و کارخانه های گروه کوریز را تأمین نمی کند، بلکه، اسلامگرایان را در شمال آفریقا نیز به حرکت وامی دارد. این هم تنها شوروشوق زودگذر آن نیست. قطر پس از معاشقه با دومنیک دوولپن، نخست وزیر اسبق فرانسه و هم‌آغوشی با نیکولا سارکوزی در مدت پنج سال ریاست جمهوری وی، همچنان به عشق‌بازی خود در فرانسه، حتی زمانیکه بوی گل رز سوسیالیستی می افشاند، ادامه می دهد (اشاره است به نشان حزب سوسیالیست فرانسه).

ایجاد صندوق حمایت از حومه شهر، نجات کارخانه کورز با نام تجاری لوتانیور، عضویت در سازمان بین المللی هواخواه فرانسه [را هم فراموش نکنیم]. بالاخره، چرا که نه، کمتر کسی از داشتن دوستان ثروتمند زیاد، شکوه می کند.

اما زمانیکه سخن از کمک به کشورهای بحران زده در میان است، نواقص آنها، مثلاً فقدان دمکراسی و مخالفان یا عدالت و مطبوعات مستقل، هیچ اهمیتی ندارد. در هر حال، از قذافی، اسد، بونگو و دیگران، هر چند که تصور آنها از حقوق بشر بسیار محدود بود، پذیرائی با شکوهی در کاخ الیزه بعمل آوردند. حداقل می دانیم که امر توارث در حکومتها، حتی برغم نابینائی دیپلوماتیک- ستیزه جویانه، یک سخن توخالی نیست.

اسلامگرایان تحت حمایت مالی گاز قطر

گاز قطر فقط به افیون ورزشی مردم خوب فرانسه محدود نمی شود، بلکه، مخارج شورشهای اسلامی را نیز تأمین می نماید که حتی کشورهای دیکتاتوری را تخریب می کنند. بگفته باکچیچ، آنگونه که مثلاً در لیبی اتفاق افتاد، شبه نظامیان بسیاری با پول قطر تغذیه می شدند. امیران هم خساست بخرج نمی دادند.

همچنانکه کلود آنجلی، هر هفته در ستون خود در صفحه ۳ مجله «کانارد انچین» (*Canard Enchaîné*) می نویسد، شاهزادگان خوب مخارج گروههای شورشی در شمال مالی را هم تأمین می کنند. او یادآوری می کند: «بنیادهای خصوصی عربستان سعودی، کویت و قطر مهمترین منبع تأمین مالی (پولی) گروههای تروریستی در سراسر جهان بشمار می روند». سازمانهای غیردولتی که به توزیع پول بین جاهلان خدا مشغولند، بعنوان یک پوشش

ساده مورد استفاده واقع می شوند. ضدجاسوسی خارجی بشدت نگران این واقعیت است و در باره خطرات این بازی... که ممکن است بگفته آنجلی، موجب رو در رویی برخی افسران فرانسوی با همتایان قطری خود در صحرا بشود، به فرانسوا اولاند و قبل از او به سارکوزی هشدار داده بود...

کتیبه روی کاریکاتور: «تا- تا- تا»- «کسانی را دوست می دارم که با گلوله بازی می کنند...».

جاسوسان بمنظور خودداری از تخریب همه چیز، تلاشهای قطر را بمثابه اقدامات پان عربی تلقی می کنند... سیل پول دقیقا بسوی سلفی ها در تونس و مراکش هم جاری شده است که بعنوان «ضعیف ترین حلقه های بعدی» شناخته می شوند. همه این پولها بوی گاز می دهند...

پی نوشت مترجم:

هر آن گاه که از ماهیت و خصوصیات استعمار و امپریالیسم سخن بمیان می آید، هر جا که اقدامات و رویکردهای ویرانگرانه استعمارگران و امپریالیسم جهانی برای اشغال و مستعمره سازی کشورهای مختلف توضیح داده می شود، «چپهای نو، مدرن و دمکرات» از «نوگرایی» و مدرنیسم»، از «دمکراسی» و «حقوق بشر» چنان غرا سخن می گویند و چنان بر همه قتل عامهای میلیونی و ویرانیهای ادامه دار بواسطه امپریالیسم در گوشه گوشه جهان چشم می بندند که گوئی هیچ اتفاقی نیافتاده است.

بنیادگران «نواندیش» که چکیده و عصاره افکار و اندیشه های دورانهای برده داری، فئودالی و سرمایه داری را در زورق «نواندیشی» عرضه می دارند، کمترین اعتراض به عملکرد و حمله سراسری استعمار و امپریالیسم، این نیرویهای اهریمنی جهانی به خلقها و کشورهای مختلف را بنام هواخواهی از «دیکتاتورها» و دشمنی با «نواندیشی» و «مدرنیسم» زیر ضرب می گیرند و حاضرند هر منتقدی را باتهام «عقب ماندگی»، «فسیل بودن»، «کهنه پرستی» و معادل اینها، چنان تکه پاره کنند که هیچ اثری از آنها در عالم وجود باقی نماند.

ولذا، چون مرا هیچ سر زیادی نیست که به زیر گرز گران اینگونه نواندیشان ببریم، فعلا و در همینجا، از وارد شدن به بحث نظری یا سیاسی با این آقایان خودداری نموده و ضمن صرفنظر از یادآوری عوارض، پیامدها و نتایج جبران ناپذیر حملات، جنگها و مداخلات امپریالیسم و استعمارگران جهانی در کشورهای مختلف، موضوعات مشخصی را مطرح کرده واز همه آنهائی که مدعی «نواندیشی»اند، انتظار پاسخ مشخص را دارم:

۱- رابطه پولهای نفت و گاز قطر، عربستان سعودی، کویت و دیگر مستعمرات مشابه در تسلیح و تأمین مالی جنگهای تروریستی- استعماری، «انقلابهای رنگی» و همچنین، مداخلات گستاخانه آنها در امور داخلی دیگر کشورها را با امر نواندیشی، دمکراسی و حقوق بشر توضیح

دهند. کما اینکه، این رویکرد تازگی ندارد و در سالهای دهه ۸۰ میلادی بر علیه اتحاد شوروی نیز بکار گرفته شد و طبق آمارهای موجود، عربستان سعودی... تا اواسط سالهای دهه ۸۰، بطور متوسط روزانه دو میلیون بشکه نفت استخراج می کرد... در تابستان سال ۱۹۸۵ میزان صادرات خود را به روزانه ۶ میلیون بشکه و در پائیز همان سال ۹ میلیون بشکه رساند و در اوایل سال ۱۹۸۶ این میزان را تا ۱۰ میلیون بشکه در روز افزایش داد. این، برای مجموعه نظام اقتصادی بزرگ و برنامه ریزی شده اتحاد شوروی یک فاجعه بود... (رجوع شود به این نشانی: <http://www.hafteh.de/?p=27450>).

۲- نظر نواندیشان در باره این واقعیت برکتر کس ناروشن چیست، که: امپریالیسم آمریکا با کاربست نظریه جان مینارد کینز مبنی بر اینکه: «هیچ چیز دیگری به اندازه چاپ پول بی پشتوانه نمی تواند اقتصاد کشورها را تخریب کند»، به چاپ و انتشار بی حد و حصر دلار مشغول است و چون همین پولها بمنظور جلوگیری از سقوط کامل اقتصاد آمریکا باید در کشورهای دیگر به جریان بیافتد، بخشی از آنها را قطر، عربستان سعودی، کویت و یکسری کشورهای مشابه دیگر، بحساب تسلیح و تأمین مالی تروریسم بین المللی، وارد بازار می کنند.

۳- بنظرم نواندیشان گرفتار در افکار و عقاید سرمایه داری و ماقبل آن (حداقل بلحاظ نوع نگرش به مقوله مالکیت و به تبع آن به مفاهیم دمکراسی و حقوق بشر)، باید پاسخ صریح این سؤال را هم بدهند که مثلا شیوخ قطر، عربستان سعودی و کویت را به اندازه خودشان «نو»، «مدرن» و «دمکرات» می شناسند یا نه! اگر نه، چگونه می توانند اربابان و حامیان ماواری اقیانوسی آنها را حامی و مدافع «دمکراسی» و «حقوق بشر» تصور کنند.

۴- مورد آخر اینکه، بسیار مایلم تفاوتهای میان سیاستهای فرانسوا اولاند «سوسیالیست» با نیکولا سارکوزی فاشیست را طیفهای مختلف «نواندیشان دمکرات و مدرن» روشن سازند. بویژه اینکه دومی به همراه شرکای غربی خود و شیوخ کشورهای حوزه خلیج فارس، جنگ وحشتناکی را به لیبی تحمیل و دولت آن را عوض کرد و اولی، با ادامه سیاستهای همتای سابق خود، در همکاری تنگاتنگ با شرکای غربی خود و شیوخ کشورهای حوزه خلیج فارس، برای سوریه دولت تعیین می کند.

انتظار می رود، رعایت ادب و نزاکت تصنعی یا حتی واقعی، موجب قربانی شدن حقیقت نشود.